جوهر معنویت در وجود امام خمینی جریان داشت

گزیده‌ای از سخنان آیت‌الله هاشمی رفسنجانی درباره شخصیت اخلاقی امام خمینی

در آستانه سی و پنجمین سالروز رحلت جانگداز حضرت امام خمینی رضوان‌الله تعالی علیه قرار داریم.

مردی از سلاله رسول گرامی اسلام که با قیام و ایستادگی خود در برابر استبداد طاغوتیان و استکبار جهانی و رهبری نمودن نهضت اسلامی مردم مسلمان ایران علاوه بر احیای اسلام ناب محمّدی(ص)، بزرگ‌ترین تحول را در تاریخ این کشور پدید آورد. متأسفانه این روزها افرادی که باید با تحریف‌ها و دگرگون جلوه دادن واقعیت وجودی امام خمینی و حتی به فراموشی سپرده شدن یاد و نام امام مقابله کنند، با عملکرد نادرست خود به جریان‌های تحریف گر کمک کرده‌اند. آنها با عملکرد خود، موجب شده‌اند یاد و نام و آرمان‌های امام روز به روز کم رنگ‌تر بشود بطوری که نسل‌هائی که از چگونگی زندگی ساده و مردمی و معنوی آن مرد الهی خبر ندارند، در چنین وضعیتی هرگز نمی‌توانند با چهره واقعی این شخصیت بزرگ تاریخ معاصر آشنا شوند.

برای شناخت چهره واقعی امام خمینی لازم است شخصیت ایشان از زبان یاران آن عزیز به نسل جدید بازگویی شود به همین دلیل گزیده‌ای از خاطرات آیت‌الله هاشمی رفسنجانی یار، معتمد و همراه همیشگی امام خمینی را مرور می‌کنیم.

***

... من قبول دارم که الان در انقلاب ما، یک مقدار اخلاق آسیب دیده. اگر بشود از امام خمینی یک الگوی اخلاقی مناسب اسلامی – آن طور که واقعاً بودند– در جامعه ترسیم بشود فکر می‌کنم کار خوبی است... فکر می‌کنم خیلی بیش از آنچه که من بخواهم توضیح بدهم واضح است یعنی الان در جامعه ما مخصوصاً تیپ‌های مذهبی اینطور شده‌اند، غیر مذهبی‌ها که ما نمی‌دانیم چکار می‌کردند، چکار می‌کنند و تفاوتشان چقدر شده است اما بخش زیادی از تیپ مذهبی ما، از حوزوی گرفته و سیاسی، مسئول و غیرمسئول، در همه ابعاد مراعات اخلاق اسلامی را نمی‌کنند. شاید اولویتشان ایده‌های سیاسیشان باشد، آن هم نه در قالب یک برداشت عالمانه، در قالب باندی، گروهی و حزبی. اگر بخواهیم حسن نیت داشته باشیم و حمل بر صحت کنیم، باید بگوییم آنها قدرت خودشان را مقدمه اصلاح امور کشور تعریف می‌کنند و فکر می‌کنند از جاهایی که اهداف، وسائل را مباح می‌کند، همین جا است. لذا هر وسیله نامباحی را هم به کار می‌گیرند و الا اگر کمی با سوءظن نگاه بکنیم این وضعی که من می‌بینم فاجعه است.

امام یک شخصیت معنوی بودند

تعریفی که من برای معنویت دارم، آن حالات روحی خاص که معمولاً به ذهن متبادر می‌شود، نیست، بیش از اینها است و وسیع‌تر می‌بینم. معنویت یک مفهوم عامی است که در همه زندگی آدم می‌تواند جریان داشته باشد. در تحصیلات، اگر کسی محصل باشد، در کسب، اگر کاسب باشد، در فنّش، اگر متخصص باشد، هر کسی در کار خودش. معنویت یک عرض عریضی دارد، حتی در مدیریت‌ها و حکومت‌ها و قدرت ها. اگر مثلاً کسانی تلاش می‌کنند برای نجات جامعه از دست استبداد و استعمار، خیلی هم اهل خودنمایی و زد و بند و این‌ها هم نیستند، این‌ها معنویت است. معنویت با آن وضع واقعیش به این که آدم با هدف درست، برای امور صحیح و خیر و اصلاح کار بکند، حتی در کارهای مادی ظاهری هم قابل مشاهده است. شخصیت امام در همه این ابعاد معنوی بود. همه کسانی که با ایشان خیلی نزدیک بودند، می‌دانند حقیقتاً جوهر معنویت با معنای درستش که قرب به خدا و قصد اخلاص و خدمت و خودسازی و اینها است، در امام وجود داشت. من مجذوب اخلاق ایشان هم می‌شدم برای اینکه من یک طلبه روستایی بودم که تازه آمده بودم قم، طبیعتاً یک مدرسی در سطح امام که آن موقع در حوزه زبان زد همه بود، از لحاظ عمق دانش و بینش و مخصوصاً بحث‌های فلسفی و اخلاقی خیلی بزرگ بود. خوشش نمی‌آید حالا که خلوت کرده و دارد در مسیرش فکر می‌کند، یک کسی بیاید مزاحمش بشود. مرحوم آقای مطهری می‌گفتند من در مسیری که بین خانه و مدرسه می‌روم و می‌آیم، معمولاً روی یک مقاله فکر می‌کنم، یک سوژه‌ای را در ذهنم می‌پرورانم بعد که آمدم منزل می‌نویسم. ماها خودمون هم همین جوری بودیم و حالا هم همین‌طور است، در راه فکر می‌کنیم. اما من می‌دیدم که امام هیچ ابائی ندارند از اینکه با ما حرف بزنند، جواب سؤالات را بدهند. سؤالات ولو کودکانه یا عوامانه بود، با خوش اخلاقی جواب می‌دادند. گذشته از اخلاق، آن روحیه انسانی که ایشان در مقابل یک طلبه روستایی نشان می‌دادند، برای ما جالب بود...

ما ذکر و ورد و اینها از امام خیلی نمی‌دیدیم اما یکی از چیزهایی که امام داشت و برای ما هم سازنده بود، اینکه تقریباً هر شب جمعه – تا آن جا که من یادم است – بعد از نماز مغرب و عشاء می‌آمدند حرم، بالاسر رو به دیوار می‌ایستادند، زیارتشان را می‌خواندند و برمی گشتند. حتی منظره‌اش هم در ذهنم هست که ایشان کجا می‌ایستاد. ما هم صبر می‌کردیم تا زیارتشان تمام بشود، همراهشان می‌رفتیم خانه. این چیزها را می‌دیدیم اما من تا آخر هم هیچ وقت ندیدم که امام بنشینند دعای زیاد بخوانند یا ذکر بگویند. البته شاید ایشان در خلوتش این کارها را انجام می‌داده، ما که نمی‌فهمیدیم. به ما هم که می‌خواست نصیحت بکند می‌فرمود: "همیشه یاد خدا باشید". ذکر به معنای یاد خدا را ایشان در دل ما محکم کرد. روی آیه "الا بذکرالله تطمئن القلوب" زیاد حرف می‌زد و به ما می‌گفتند که این یاد خدا، مایه آسایش و مایه صافی انسان می‌شود. به نظرم آن چیزی که ایشان زیادتر روی آن تکیه می‌کرد دو نقطه بود؛ یکی همین یاد خدا، یکی هم اخلاص بود. ما اخلاص ایشان را هم می‌فهمیدیم. نمونه‌های زیادی هم داریم اگر پیش آمد، می‌گویم. حسابی در کارهایشان مخلص بودند. در کارها، در درس، بحث، معاشرت، اختلافشان و اتفاقشان در همه اینها، آدم اخلاص را می‌فهمید که این برای ما خیلی جاذبه داشت.

یکی از شعبه‌های اخلاقی ایشان این بود که اهل ریاکاری نبود. اهل تظاهر به هیچ معنا نبود. یکی ازجلوه‌های اخلاصش همین است. اما ایشان یک خانه نسبتاً بزرگی داشت. الان هم اگر آنجا را ببینید ساختمانشان تا پایین کوچه نسبتاً دراز است. خانه حسابی بود؛حیاط بزرگ و اتاق‌های زیادی داشت. بعداً که آقا مصطفی را داماد کردند آن تکه پایینش را با دو سه اتاق بریدند دادند به آقامصطفی که آنجا زندگی می‌کردند.

***شخصیت امام در همه این ابعاد معنوی بود. همه کسانی که با ایشان خیلی نزدیک بودند، می‌دانند حقیقتاً جوهر معنویت با معنای درستش که قرب به خدا و قصد اخلاص و خدمت و خودسازی و اینها است، در امام وجود داشت**

البته ایشان وقتی که مبارزه شروع شد و مرجع شدند، در شمال خانه شان یک خانه دیگری اجاره کردند، خانواده شان را بردند آنجا ولی خودشان توی همین خانه بودند. در اتاقشان فرش قالی بود، نه تنها توی این اتاق، شمال و غرب خانه، دو سه تا اتاق که ما می‌رفتیم، همه فرش داشت. آن موقع لااقل توی بیرونی خانه آقایان فرش قالی رسم نبود. اصولاً من هیچ جای زندگی امام خمینی ریا و تظاهر ندیدم. ولی لباسشان بسیار منظم بود، قیافه شان هم همیشه کاملاً آراسته بود، آراستگی ایشان در بین علمای قم نمونه بود. یک بخشی از زندگی امام که برای حکومت هم بسیار مهم است به اینکه مردم را غلط توجیه نکند و برای زندگی مردم علامت غلط ندهد، این بود که ریاضت‌های ظاهری عوامانه و عوام فریب را هیچ در زندگیشان نشان نمی‌دادند، زندگی واقعیشان هم همین جور بود، معتدل بود. این طور نبود که زهدفروشی بکند. ایشان یک مقداری ملک در خمین داشتند، عمدتاً با آنها زندگی می‌کردند. حالت معتدلی داشتند، اعتدال جزء مشخصه‌های امام بود. ایشان معمولاً آخر سال در آخرین درس نصیحت می‌کردند، یکی از چیزهایی که خیلی در درس می‌خواندند، این روایت بود که: "اِنَّالله یحِبُّ اَنْ یوْخَذَ برُخَصِهِ کَمَا یحِبُّ اَنْ یوْخَذَ بعَزَائِمه"، می‌گفتند: خداوند همان جور که دوست می‌دارد مردم به تکالیف واجب یا حرام خود عمل بکنند، دوست می‌دارد که به مباحات و رخصت‌هایی هم که خدا به آنها داده، استفاده بکنند. خوب این در ذهن ماها خیلی سازنده بود، یعنی این گونه مطالب ما را تحت تأثیر می‌گذاشت. یا یک آیه‌ای که خیلی می‌خواندند و نصیحت می‌کردند این بود که: "قُلْ اِنَّما اَعِظُکُمْ بواحِدَهٍ اَنْ تَقُوموا لله مَثْنی وَ فُرادی"، توضیح ایشان هم این بود که اگر می‌خواهید کاری بکنید باید برای خدا باشد، "ان تقوموا لله"، روی این هم تکیه می‌کردند. "مثنی و فرادی" را هم می‌گفتند: چه در جمع باشید چه در خلوت خودتان باشید، همیشه خدا را در نظر بگیرید.

***آن چیزی که امام خمینی زیادتر روی آن تکیه می‌کرد دو نقطه بود؛ یکی یاد خدا، یکی هم اخلاص بود. ما اخلاص ایشان را هم می‌فهمیدیم**

***یکی از شعبه‌های اخلاقی امام این بود که اهل ریاکاری نبود. اهل تظاهر به هیچ معنا نبود. یکی ازجلوه‌های اخلاصش همین است**

امام ساده‌زیست

امام اگر کشف و کرامتی داشتند در درون خودشان بود. ما از ایشان تظاهر و این چیزها را ندیدیم. انصافاً از این راه بخواهند به هدف برسند نبود بلکه نفی می‌کردند. مثلاً در دوره‌ای که مبارزات اوج گرفته بود، شایعاتی در تهران حسابی پیچیده بود که عکس ایشان را مردم شب‌ها در ماه می‌بینند – ما که هرچه نگاه می‌کردیم نمی‌دیدیم– ولی خیلی شایع بود، همه می‌گفتند عکس ایشان را می‌بینند. بعد که ایشان آمدند ایران من یک بار از ایشان پرسیدم. گفتم: وقتی این شایعات بود شما خودتان هم به ماه نگاه کردید؟ ایشان خندید گفت این بازیها را هیچ وقت باور نکنید. کسی در ماه عکس ندارد، توهم می‌شود. البته توضیح دادند گفتند آدم وقتی به یک چیزی فکر می‌کند و از دور نگاه می‌کند ذهنش آنجا خلق می‌کند. مردم چون چنین چیزی شنیده بودند، نگاه که می‌کردند، یک شکلی برایشان ترسیم می‌شد. اینها را باور نکنید. هیچ حاضر نبودند یک کرامتی به خودشان منتسب بشود. من واقعاً هیچ ندیدم. دل ما می‌خواست ایشان از این کرامت‌ها داشته باشند ولی نمی‌شد، برعکس می‌شد. یک حادثه‌ای هم در این رابطه برای ما پیش آمد. یک بار که ما که در دفتر آیت‌الله خامنه‌ای جلسه سران داشتیم، یک دو تا دانشجو زن و شوهر از طریق آقای موسوی نخست‌وزیر که تبریزی بود اجازه گرفتند آمدند در جلسه ما. خیلی محکم و طلبکارانه می‌گفتند ما با امام زمان ارتباط داریم. یک پیامی امام زمان دادند که ما باید به امام برسانیم. می‌گفتند اگر این پیغام به امام نرسد ممکن است که کشور، انقلاب آسیب ببیند. – جنگ هم بود، همیشه احساس خطر می‌کردیم– از ما می‌خواستند که این‌ها را ببریم پیش امام، پیامشان را بدهند. آقای خامنه‌ای حاضر نشدند، می‌گفتند من به امام چنین چیزی نمی‌گویم. من گفتم من این کار را می‌کنم. من روحیات این جوری داشتم که دلم می‌خواست چنین چیزها در من پیدا بشود. به هر حال ما به اینها وعده دادیم رفتیم پیش امام گفتیم که این‌ها آمدند می‌گویند یک پیامی از امام زمان برای جنابعالی دارند و شما اجازه بدهید بیایند پیامشان را بدهند. ایشان گفتند این حرف‌ها را باور نکنید، از این‌ها خیلی هستند. گفتم خیلی جوانند به آنها نمی‌آید که تیپ فریب کار باشند، یک پاکی‌ای دارند. خیلی قیافه‌های مظلومی هم داشتند! به هر حال من خیلی اصرار کردم، گفتیم چه ضرری دارد، می‌آیند، می‌نشینند پیامشان را می‌دهند. اگر درست بود بپذیرید، اگر نبود هم نصیحتشان کنید، بگوئید از این کارها نکنند. ایشان این اصرار من را پذیرفت و اینها یکی دو روز بعد رفتند محضر امام. خواستند پیام را بدهند. امام گفتند من اول شما را امتحان می‌کنم بعد پیامتان را می‌گیرم. گفتند خیلی خوب امتحان کنید. امام گفتند سه موضوع هست که برای من حل نشده است، شما به امام زمان بگویید اینها را حل کنند، اگر حل شد، پیام را هم می‌پذیرم؛ یکی این است که من ربط حادث به قدیم را نمی‌توانم درست درک بکنم چطور می‌شود که موجود حادث با موجود قدیم ارتباط برقرار می‌کند؟– این یک مقوله فلسفی سختی هم هست. امام خودشان بهترین فیلسوف زمان بودند ولی گفتند من این را خوب درک نمی‌کنم – دوم هم این است که من به یک عکسی علاقه مندم امام زمان بگویندآن عکس چیست؟ و سوم هم من یک دفترچه یادداشتی داشتم که یادداشت‌هایم در آن بوده و خیلی هم به آن علاقه دارم، گم کردم. امام زمان بگویند این کجاست. اگر این سه تا را امام زمان جواب دادند، و شما هم آمدید به من گفتید و درست گفتید، آن موقع من پیام شما را دریافت می‌کنم و عمل می‌کنم. اینها جلوی امام چیزی نگفتند، بیرون که رفته بودند به امام اهانت کردند. حالا مثل این که رفتند امام زمان را دیدند و امام زمان جواب دادند. به امام با اهانت پیغام داده بودند که فلانی می‌خواهد امام زمان را امتحان کند! حاج احمدآقا به من گفت امام از این که با اصرار ما ایشان این را پذیرفتند و حالا این‌ها رفتند این جوری برخورد کردند، حسابی رنجیدند. ما در آن زمان پیش خودمان خیال می‌کردیم روشنفکر هستیم و تحت تأثیر قرار گرفتیم. هنوز هم همین جور هستیم اگر کسی بیاید ادعائی بکند فوری ردش نمی‌کنیم، می‌گوییم بیائیم امتحان کنیم.

ایشان معمولاً خطبه‌های من را گوش می‌دادند. بقیه خطبه‌ها را هم لابد گوش می‌دادند. خطبه‌های نماز جمعه را گوش می‌دادند. ما که می‌رفتیم خدمتشان، اگر نظر مثبتی یا منفی‌ای داشتند به ما می‌گفتند. معمولاً تعریف می‌کردند. حتی سخنرانی که در مجلس می‌کردیم، گاهی عصبانی می‌شدم. زمانی که می‌رفتم خدمتشان می‌گفتند: چرا پشت تریبون این قدر داد و بی‌داد می‌کنی؟ تا این مقدار هم مواظب بودند. در این قضیه همین‌طور بود. یعنی من طبق عقاید خودم یک تجلیلی از ایشان کردم، ولی ایشان مذمت کردند، گفتند این جور صحبت نکنید. این را قبلاً به آقای مشکینی هم گفتند. یک بار با خبرگان رفتیم آنجا، آقای مشکینی به زبان عربی تجلیل خیلی زیادی از ایشان کردند. امام از آقای مشکینی گله کرد و گفت شما نباید ما را مغرور کنید. آقای (فخرالدین) حجازی هم اگر یادتان باشد، وقتی که دوره اول مجلس با نماینده‌ها رفته بودند پیش امام، چون نماینده اول تهران بود، خدمت امام صحبت کرده و خیلی از امام تجلیل کرد. او در تجلیل خیلی مداح قوی‌ای بود. امام هم بلافاصله به شدت، حرفهای ایشان را رد کرد. قبل از این هم همین جور بودند. اوائل که تازه مبارزه را شروع کرده بودیم ایشان حاضر نشده بودند رساله بنویسند و نمی‌نوشتند. یکی از مشکلات امام این بود که رساله‌ای چاپ نمی‌کردند. من گفتم شما مقلد دارید، مخصوصاً حالا که مبارزه شروع شده مردم احتیاج به حرف‌های شما دارند. کلی کار کردیم تا بالاخره ایشان اجازه دادند. یا ایشان که تابستان‌ها به خمین می‌رفتند، گاهی صحبت هم می‌کردند. ما می‌گفتیم امسال که به خمین می‌روید، ماها هم یک عده همراه شما بیاییم تا تنها نباشید. ایشان با آن لهجه خمینی شان گفتند مگر می‌خواهیم برویم سینه بزنیم. من اگر بخواهم بروم، آنجا وطنم است، می‌روم و می‌آیم. اگر باز فراموش نکرده باشید، عکس ایشان همیشه صفحات اول روزنامه‌ها و مساجد و همه جا را پر کرده بود. ایشان ممنوع کرد. مدتی هیچ کس عکسی در صفحه اول از ایشان ندید. از این چیزها خیلی در زندگی امام بود. به هیچ وجه حاضر به تظاهر نبودند. از این چیزها هیچ خوششان نمی‌آمد.

صحنه‌های اخلاقی از امام خیلی زیاد است. ما آخرین باری که برای جنگ رفتیم خدمتشان و بالاخره ایشان پذیرفت که قطعنامه را بپذیریم، من یک حالت خضوع بزرگی از ایشان دیدم که آن را هنوز جایی نگفتم و الآن هم نمی‌خواهم بگویم. خیلی صحنه بزرگ اخلاقی بود. من دیدم ایشان گیرافتاده است. می‌گفت ما ۲۰ سال به مردم گفتیم تا آخرین نفس و تا آخرین قطره خون می‌مانیم، حالا یک دفعه بیائیم قطعنامه را قبول بکنیم، جواب مردم را چه بدهیم، جواب شهداء و رزمنده‌ها را چه بدهیم؟ محذورات جدی بود. من دیدم خیلی کار مشکل می‌شود، گفتم ما باید در این کار یک کسی را فدا کنیم تا افکار مردم را راضی بکنیم. من فرمانده جنگم، جانشین شما هستم. وقتی جانشین شما شدم هر کاری می‌توانم بکنم. می‌روم با اختیارات خودم قطعنامه را می‌پذیرم. شما به من اعتراض کنید. من را محاکمه کنید و با محاکمه من اگر مردم تلخی هم پیدا کنند، از شما نیست. می‌گویم من اشتباه کردم. آن جوابی که ایشان داد از این نوعی است که شما می‌گویید، که من حالا نمی‌خواهم بیان کنم...

منبع– مصاحبه با مجله حضور، ش ۷۷

***من طبق عقاید خودم یک تجلیلی از ایشان کردم، ولی ایشان مذمت کردند، گفتند این جور صحبت نکنید.**

***ما آخرین باری که برای جنگ رفتیم خدمتشان و بالاخره ایشان پذیرفت که قطعنامه را بپذیریم، من یک حالت خضوع بزرگی از ایشان دیدم که آن را هنوز جایی نگفتم و الآن هم نمی‌خواهم بگویم. خیلی صحنه بزرگ اخلاقی بود**

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۰۶۰۱۲۰۰۲۱۳۹ هیات اول کلاسه ۱۹۹۵ - ۱۴۰۳ موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کاشمر تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای قاسم رضائی غلامی به شناسنامه شماره ۳ کدملی ۰۹۰۲۳۳۸۸۲۱ صادره خراسان رضوی فرزند حسین در ششدانگ یکباب منزل مسکونی به مساحت ۱۳۷.۳۸ متر مربع، پلاک ثبتی ۱۴۸۵ اصلی واقع در خراسان رضوی بخش یک شهر حوزه ثبت ملک کاشمر خریداری از مالک رسمی آقایان نصرت جاوید عبدل آبادی احدی از ورثه محمد حسن جاوید عبدل آبادی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۳/۰۲/۲۹ تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۳/۰۳/۱۳
شناسه ارشاد: ۱۱۱۱۷

احمد جهانگیر_ رئیس ثبت اسناد و املاک کاشمر

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۰۶۰۱۲۰۰۲۱۳۷ هیات اول کلاسه ۱۹۹۴ - ۱۴۰۲ موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کاشمر تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای سید داوود پورحسن به شناسنامه شماره ۰۸۹۰۱۱۴۱۰۲ کدملی ۰۸۹۰۱۱۴۱۰۲ صادره خراسان رضوی فرزند سیدجلال در ششدانگ یکباب منزل مسکونی به مساحت ۸۷.۱۳۵ مترمربع، پلاک ثبتی ۱۴۸۵ اصلی واقع در خراسان رضوی بخش یک شهر حوزه ثبت ملک کاشمر خریداری از مالک رسمی آقایان حمیدرضا و محمدرضا جاوید عبدل آبادی احدی از ورثه محمد حسن جاوید عبدل آبادی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

شناسه ارشاد: ۱۱۱۱۸
تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۳/۰۲/۲۹ تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۳/۰۳/۱۳

احمد جهانگیر_ رئیس ثبت اسناد و املاک کاشمر

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۰۶۰۱۲۰۰۲۱۲۶ هیات اول کلاسه ۱۹۹۳ _۱۴۰۲ موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کاشمر تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای سید داوود پورحسن به شناسنامه شماره ۰۸۹۰۱۱۴۱۰۲ کدملی ۰۸۹۰۱۱۴۱۰۲ صادره خراسان رضوی فرزند سید جلال در ششدانگ یکباب منزل مسکونی به مساحت ۱۲۷.۷۹ متر مربع، پلاک ثبتی ۱۴۸۵ اصلی واقع در خراسان رضوی بخش یک شهر حوزه ثبت ملک کاشمر خریداری از مالک رسمی آقایان حمیدرضا و محمدرضا جاوید عبدل آبادی احدی از ورثه محمد حسن جاوید عبدل آبادی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۳/۰۲/۲۹ تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۳/۰۳/۱۳
شناسه ارشاد: ۱۱۱۱۵

احمد جهانگیر_ رئیس ثبت اسناد و املاک کاشمر

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۴۰۳۶۰۳۲۴۰۰۶۰۰۰۰۱ هیأت اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کنگان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای عبودی دراهکی فرزند حسین بشماره شناسنامه ۴۸۱ و شماره ملی ۳۵۶۹۵۰۴۰۱۸ صادره از دیر در یک باب ساختمان تجاری مسکونی به مساحت ۲۰۷/۸۰ مترمربع مفروز و مجزی شده از پلاک ۴۴۳ فرعی از ۳ اصلی واقع در کنگان خریداری از مالک رسمی خانم فاطمه نصوری محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. م.الف۸۲

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۰۲/۲۹
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۰۳/۱۳

علی فولادی– رئیس ثبت اسناد و املاک شهرستان کنگان

متن آگهی مزایده

به موجب پرونده های اجرایی کلاسه ۱۴۰۲۰۲۴۰۷ سهم الارث مرحوم مصطفی قلندری از ششدانگ یک باب عمارت تحت پلاک ۲۹۸ فرعی از ۵۲ اصلی به نام احمد مراد قلندری ثبت و سند مالکیت صادر گردید طبق سند ازدواج شماره ۸۰۷۱ مورخ ۱۳۹۲/۱۰/۲۱ به میزان سهم الارث مرحوم مصطفی قلندری طبق نظر کارشناسان به مبلغ ۱/۶۷۴/۲۴۲/۴۲۴ یک میلیارد و ششصد و هفتاد و چهار میلیون و دویست چهل و دو هزار و چهارصد و بیست و چهار ریال ارزیابی شده پلاک مذکور به مساحت ششدانگ ۲۰۱/۵ متر مربع با اعیانی ۱۴۰مترمربع اسکلت بنایی مصالح آجر ملات و ماسه سیمان و نمایی سرامیک در داخل عرصه بنا گردیده دارای اشتراک آب برق گاز تلفن مزایده از ساعت ۹الی ۱۲ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۳/۳/۲۷ در اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان کوهدشت واقع در خیابان مالک اشتر از طریق مزایده به فروش می رسد مزایده از مبلغ پایه شروع و به بالاترین قیمت پیشنهادی نقداً فروخته می شود لازم به ذکر است پرداخت بدهی های مربوط به اب برق گاز اعم از حق انشعاب و یا حق اشتراک و مصرف در صورتی که مورد مزایده دارای آنها باشد و نیز بدهی های مالیاتی و عوارض شهرداری و غیره تا تاریخ مزایده اعم از اینکه رقم قطعی آن معلوم شده یا نشده باشد به عهده برنده مزایده است و نیز در صورت وجود مازاد وجوه پرداختی بابت هزینه های فوق از محل مازاد به برنده مزایده مسترد خواهد شد و نیم عشر و حق مزایده نقداً وصول می گردد ضمناً چنانچه روز مزایده تعطیل رسمی گردد مزایده روز اداری بعد از تعطیلی در همان ساعت و مکان مقرر برگزار خواهد شد.

م الف ۸۴۵ انتشار ۱۴۰۳/۳/۱۳

فرشاد کورانی نیا رییس اداره ثبت اسناد و املاک کوهدشت

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۹/۲۰و برابر رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۰۶۲۷۱۰۰۰۷۷۵ مورخ ۱۴۰۳/۲/۲۶ موضوع ماده یک قانون مذکور تصرفات آقای سعید شیرازی نسبت به یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۰۸۸۰ متر مربع قسمتی از ۵۵ اصلی واقع در بخش ۹ مشهد که از سهم مشاعی خودش تایید گردید ه است لذا به موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی این آگهی در دونوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق این روزنامه و محلی / کثیر الانتشار در شهر ها منتشر و در روستا ها رای هیات الصاق تا در صورتیکه اشخاص ذینفع به آراء اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی و در روستا ها از تاریخ الصاق در محل تا دوماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است و در وصورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد و یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می نماید. صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست.

تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۳/۳/۱۳ تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۳/۳/۳۰
م الف ۱۴۱۶

بهروز صائبی ــ رئیس ثبت اسناد و املاک منطقه ۵ مشهد

سند کارخانه و سند مالکیت (برگ سبز) و کارت شناسایی موتورسیکلت روان سیکلت سی جی ۱۲۵CC به رنگ قرمز به شماره انتظامی ۸۲۸-۵۸۱۱۷و شماره تنه ۸۵۰۴۰۲۵ وشماره موتور ۱۵۷FMI۳۹۰۳۳۵۰۶ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. (ب)

سند کارخانه و سند مالکیت(برگ سبز) وانت پیکان مدل ۱۳۹۲ به رنگ سفید-شیری-روغنی به شماره انتظامی ۸۴-۷۸۴ص۴۴ و شماره شاسی NAAA۳۶AA۰DG۶۱۷۶۲۶ و شماره موتور ۱۱۸P۰۰۱۱۸۳۶ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. (خورموج)

سند کارخانه و سند مالکیت (برگ سبز) اتومبیل سواری پژو پارس مدل ۱۴۰۲ به رنگ مشکی به شماره انتظامی ۴۸-۲۷۴ص۵۳ و شماره شاسی NAANA۱۵E۸PK۲۴۷۰۴۴ و شماره موتور ۱۲۵K۰۱۳۷۲۵۷ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. (ب)

سند کارخانه و سند مالکیت (برگ سبز) اتومبیل سواری سایپا کوئیک مدل ۱۳۹۹ به رنگ سفید-قرمز-روغنی به شماره انتظامی ۴۸-۸۲۱س۵۵ و شماره شاسی NAS۸۴۱۱۰۰L۱۰۶۸۵۷۸ و شماره موتور M۱۵/۸۹۷۶۶۴۶ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. (ب)

فقدان سند

برگ سبز تراکتور کشاورزی مدل ۹۰ بشماره پلاک ۹۱۹ ک ۱۱ - ایران ۹۱ همچنین شماره موتور LFW۰۳۴۸۳X و شماره شاسی L۰۱۷۲۴ بنام حسنقلی بهروجانیارلو مفقود و فاقد اعتبار است.

سند موتورسیکلت هوندا ۱۲۵ طوسی مدل ۱۳۹۳ به شماره انتظامی ۵۵۵_۳۵۶۸۶ با شماره موتور ۰۱۲۴NCV۱۴۲۷۲۹ و شماره شاسی IRN*۷۵۵۸*۰۲۷۴ به نام آقای ابراهیم رئیسی اردلی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد کنگان به نشانی کنگان-خیابان دانشگاه (دانشگاه آزاد کنگان) ارسال نماید.

آگهی مفقودی

برگ سبز و سند کمپانی سواری سمند ال ایکس مدل ۱۳۸۷ به شماره انتظامی ۶۹۷ د ۷۶ ایران ۶۷ و شماره موتور ۱۲۴۸۷۰۴۹۷۹۳ و شماره شاسی NAAC۹۱CC۸AF۱۵۶۲۴۶ به نام شهناز تهرانی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است. (رهنان)

سند کارخانه و سند مالکیت (برگ سبز) و کارت شناسایی موتورسیکلت سی جی ۱۲۵CC